



فصلنامه علمی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء(س)

سال سیزدهم، شماره ۲۶، پاییز ۱۴۰۰

مقاله علمی - پژوهشی

صفحات ۳۳-۹

## آرمان‌های سیاسی جامی و نجم‌الدین رازی در هفت اورنگ و مرصادالعباد<sup>۱</sup>

احسان سید محرمی<sup>۲</sup>

حمیدرضا سلیمانان<sup>۳</sup>

عباس خیرآبادی<sup>۴</sup>

محمود فیروزی مقدم<sup>۵</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۳

### چکیده

این نوشتار در پی آن است تا با بررسی حکایت‌های هفت اورنگ جامی (قرن ۹ هجری) و نیز مرصادالعباد نجم‌الدین رازی (قرن ۷ هجری)، به تبیین دیدگاه سیاسی این دو عارف شهیر بپردازد که عرفانی متفاوت با عرفان عارفان خانقاه‌نشین در پیش گرفته بودند. هرچند ورود به عرصه سیاست و پیوند با دربار از دیرباز محلی از اختلاف برای حکما و عرفا بوده است، عارفانی همچون عبدالرحمن جامی و نجم‌الدین رازی توصیه‌هایی را برای بهبود اوضاع اجتماع ارائه داده‌اند.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/JML.2021.36374.2209

۲. دانشجوی دکتری گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.  
ehsan.s.moharrami@gmail.com

۳. استادیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران (نویسنده مسئول).  
hrsoleimanian@yahoo.com

۴. استادیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.  
samennet2020@yahoo.com

۵. استادیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.  
m.firouzimoghaddam@yahoo.com

آرمان‌های سیاسی این دو عارف از چهار جهت قابل بررسی است: چگونگی برگزیدن پادشاه، دیانت و سیاست پادشاه، شیوه سامان‌بخشی به اوضاع مظلومان در جامعه، و انتقاد از راهکار حکومت برای کسب درآمد. این پژوهش که به روش توصیفی تدوین یافته، با ذکر نمونه‌هایی شاخص از حکایت‌های هفت اورنگ و با استناد به تعالیم نجم‌الدین رازی، در پی این است که آرمان‌های سیاسی این دو عارف را که به لحاظ شرایط اجتماعی در دو دوره متفاوت می‌زیسته‌اند، بررسی کند تا تفاوت نقش‌آفرینی آنها و دلیل ورودشان به عرصه فعالیت‌های سیاسی مشخص گردد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که به علت شرایط اجتماعی متفاوت در این دو عصر، تفاوت‌های بنیادی در اندیشه سیاسی این دو عارف قرن‌های ۷ و ۹ هجری وجود دارد.

**واژه‌های کلیدی:** سیاست، عرفان، جامی، نجم‌الدین رازی.

## ۱- مقدمه

نورالدین عبدالرحمان جامی در محیط حکمرانی تیموریان همچون گوهری ارزشمند است که عرصه زندگی‌اش صبغه‌ای کاملاً فرهنگی-اجتماعی دارد. جامی در مکتب عرفانی سلسله نقشبندیه در جایگاه یک عارف و شاعر قرن ۹ ق خدمات ارزنده‌ای به لحاظ سیاسی به جامعه عصر خویش ارائه داده است. البته آرامش و سکون نسبی که خراسان بزرگ پس از دوران سیاه سلطه مغول به عنوان مرکز حکومت تیموریان به خود دید، زمینه توسعه همه‌جانبه از جمله توسعه فرهنگی و هنری را در این منطقه فراهم ساخت. این موضوع را پژوهشگران حوزه تاریخ و فرهنگ نیز تایید می‌کنند. برخی تاریخ‌نگاران این عصر را به سبب وجود پادشاهان هنرمند و هنرپروری همچون شاهرخ، خلیل سلطان، الغ بیگ، بایسنقر، حسین بایقرا، و در نتیجه پیشرفت هنرهای گونه‌گون، عصر رنسانس تیموری و دوره احیای علم و دانش نام نهاده‌اند (گروسه، ۱۳۵۳: ۷۵۸). در دوره ۳۶ ساله فرمانروایی سلطان حسین، خراسان از حیث نهضت‌های هنری، صنعتی و فرهنگی با پیشرفته‌ترین پایتخت‌های اروپایی در قرون وسطی پهلو می‌زد. در عهد جامی، اگرچه حکومت، داعیه دین و دینداری داشت و سلطان حسین، دهه نخست حکومتش را با اخلاقی کاملاً متشرعانه سپری کرد و در ادامه هم به پسندهای صوفیانه وقع گذارد، اما اسباب عشرت و خوشگذرانی هم فراهم بود و

سلطان حسین و سپاهیان‌ش و تقریباً بیشتر مردم هرات دائم‌الخمر بوده‌اند (مایل هروی، ۱۳۸۹: ۱۸-۲۰). جامی به واسطه پیوند و ارتباطش با دربار، بخشی از دیدگاه‌های سیاسی خود را خطاب به حاکمان عصر خویش در قالب سخنان هنری پیشکش کرده است.

در مقابل، نجم رازی که نویسنده صوفی مسلک اواخر قرن ۶ و اواسط قرن ۷ است، در یکی از پرآشوب‌ترین دوره‌های تاریخی ایران زیست می‌کرده است. زندگی وی با حکومت سلجوقیان، خوارزمشاهیان و حمله مغول مصادف بوده است. مطابق سخنان نجم رازی در *مرصادالعباد*، دوران زندگی وی را فساد و تباهی و انحطاط فرا گرفته بود و در اثر یورش کفار تاتار، همه جا غرق در آشوب بود و امنیت و آسایش مردم ایران بر هم ریخته بود (نجم‌الدین رازی، ۱۳۱۲: ۹-۸). در چنین شرایط آشفته‌ای، وی حضور در میان مردم را بر خلوت‌گزینی ترجیح داد و نصایح دلسوزانه خود را در جهت نکوهش ظلم و دعوت به عدالت، به بهانه تفسیر برخی از آیات و احادیث و بعضاً در قالب حکایت پیشینیان، ارائه می‌کرد تا گامی در جهت ساماندهی زندگی اجتماعی و ستیز با بیدادگری برداشته باشد. آرامش حاکم بر عهد جامی و وحشت و ناامنی عصر نجم‌الدین رازی سبب شد تا این دو عارف در برخی دیدگاه‌ها و آرمان‌های سیاسی خود اختلاف‌های اساسی داشته باشند.

هدف پژوهش حاضر این است که ابتدا از رهگذر تأملات واژگانی «عرفان» و «سیاست»، و در ادامه با تکیه بر حکایات مندرج در منظومه *هفت‌اورنگ* و نیز دیدگاه‌های نجم رازی در *مرصادالعباد*، و ضمن بررسی شیوه ارائه تعالیم و خط مشی مکتب عرفانی آن‌ها، به عوامل شکل‌گیری اندیشه سیاسی و دیدگاه‌ها و آرمان‌های سیاسی این دو عارف پردازد. به باور نگارندگان این نوشتار، هرگاه یک اثر ادبی در کنار اثری دیگر ارزیابی و بررسی تطبیقی می‌شود، معنایی عمیق‌تر و دقیق‌تر را نشان می‌دهد. لذا با در نظر گرفتن برخی از مهم‌ترین حکایت‌های تعلیمی *هفت‌اورنگ* و نیز تعالیم و توصیه‌های نجم رازی در *مرصادالعباد*، به تبیین و تشریح ابعاد گوناگون دیدگاه‌های سیاسی این دو عارف پرداخته شده است.

این پژوهش از نوع کیفی است و هرگاه پژوهش کیفی از روش‌شناسی تفسیری پیروی کند، پژوهشی توصیفی محسوب می‌شود که در آن محقق به فرآیند معنی و درک حاصل از واژگان و تصاویر تمایل دارد (از کیا و آستانه، ۱۳۸۲: ۲۹۵-۲۹۶) و «هدف در پژوهش

کیفی، رسیدن به قوانین ثابت نیست و پژوهشگر قصد ندارد با تعمیم یافته‌های خود به قانونی جهان‌شمول برسد، بلکه هدف او توصیف و فهم پدیده‌ها و در نهایت، رسیدن به الگوهاست» (رضی، ۱۳۸۶: ۱۲۹). همچنین بر اساس محیط گردآوری داده‌ها از نوع نظری و کتابخانه‌ای است.

جدایی دین و سیاست موضوعی است که همواره در سطوح مختلف درباره آن اختلاف نظرهایی وجود داشته است و از آنجا که چهره‌هایی همچون جامی و نجم رازی به عنوان یک عارف به مسئله سیاست ورود می‌کنند، لازم است با بررسی دیدگاه‌ها و نقش آفرینی این چهره‌ها، تأثیر مثبت عرفا بر دستگاه سیاسی به تصویر کشیده شود تا خط بطلانی بر نظریه جدایی دین از سیاست باشد. ارزیابی و تطبیق نظریات این دو عارف می‌تواند به روشن‌تر شدن باور سیاسی جامی و نجم رازی با توجه به مقتضیات اجتماع در عصر آن‌ها کمک کند.

## ۲- پیشینه پژوهش

مطالعات انجام‌شده درباره سیاست و دیدگاه‌های سیاسی عبدالرحمن جامی و نجم رازی بیشتر به صورت مستقل‌اند و هر چند اندک آثاری به صورت تطبیقی در این ارتباط انجام شده، اما کمتر به دلایل ورود این دو عارف به عرصه سیاست و نیز شیوه ارائه تعلیمات و تفاوت‌های بنیادین در دیدگاه‌های سیاسی آن‌ها پرداخته شده است.

در ارتباط با موضوع این مقاله، صفری و ظاهری عبده‌وند (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «پیوند سیاست با عرفان در مرصاد‌العباد نجم رازی»، ضمن اشاره به دیدگاه‌های سیاسی نجم رازی، سعی دارند نشان دهند بر خلاف باور بسیاری از عرفا، عرفان و سیاست منافاتی با یکدیگر ندارند. شیرخانی و ساسان (۱۳۹۵) در مقاله «واکاوی وجوه تعاملی عرفان و سیاست در اندیشه‌های نجم‌الدین رازی» به مسئله پیوند عرفان و سیاست پرداخته و مولفه‌های این پیوند را در نظریات نجم رازی جست‌وجو کرده‌اند. شاه‌ملکی (۱۳۹۷) در نوشتاری با عنوان «سرچشمه‌های تصوف، سیاست و عرفان در آثار نجم‌الدین رازی و واکاوی اندیشه ایرانی‌شهری در آن، با تأکید بر مرصاد‌العباد و مرموزات اسدی» ضمن اشاره به اعتقاد نجم رازی درباره ارتباط متقابل عرفان و سیاست، اشاره می‌کند که وی با تلفیق

عشق و عبادت و عرفان و سیاست راه سومی را در میان دو گرایش عمده تاریخی به عرفان گشوده است. رحیمی، خواجه‌ایم و نگاریان (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی تطبیقی ادبیات سیاسی در گلستان سعدی، بهارستان جامی و پریشان قآنی» به موضوع اخلاق‌مداری در سیاست و آیین کشورداری و مسئولیت‌پذیری حاکم در برابر حکومت و مردم با نگاه به گلستان سعدی می‌پردازند و با دیدگاه جامی و قآنی که با بهره‌گیری از آموزه‌های گلستان در بهارستان و پریشان به مسئولیت‌های مهم حاکم در قبال مردم پرداخته‌اند، تطبیق می‌دهند.

موضوع سیاست از نگاه جامی کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و اندیشه‌های عرفانی و اخلاقی وی در مقالاتی به صورت کلی بررسی شده است. صدقی (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «اندیشه‌های جامی در مثنوی‌های هفت اورنگ»، ضمن ارائه تصویری از دیدگاه‌های جامی در باب مسائل عرفانی، دیدگاه‌های انتقادی وی را نسبت به طبقات مختلف جامعه ارزیابی کرده است. درگاهی (۱۳۸۵)، در مقاله «جامی و جامعه او»، ضمن نگاهی انتقادی به برخی موانع و معضلات زندگی اجتماعی، مشکلاتی چون ظاهرگرایی و سطحی‌نگری عوام، بیراه رفتن اهل تصوف و آوازه‌جویی و مریدپروری خواص را بررسی کرده است. محمدی و ولایتی (۱۳۹۰) در کتاب *نورالدین عبدالرحمن جامی*، کلیاتی درباره‌ی اوضاع اجتماعی و فرهنگی شاعر، زندگینامه وی و برخی اندیشه‌های او بیان داشته‌اند. شفق و آزادبخت (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سلطانیات در مکتوبات مولوی و منشآت جامی» کوشیده‌اند تا با بررسی شکلی و محتوایی نامه‌های این دو چهره ادب و عرفان، شخصیت و مسائل اجتماعی حاکم بر زمانه آن‌ها را انعکاس دهند و چندان به دیدگاه‌های سیاسی جامی پرداخته نشده است. محمدی و حداد‌خانشان (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تعالیم اخلاقی و آموزه‌های تربیتی در مثنوی سلسله‌الذهب جامی»، ضمن برشمردن آموزه‌های تعلیمی شاعر در یک مثنوی از مثنوی‌های هفت‌گانه، به روش تعلیمی وی و مخاطبان تعلیماتش نیز اشاره کرده است و با وجود اینکه دفتر سوم *سلسله‌الذهب*، به گفته خود شاعر، معدلت‌نامه است به مباحث مربوط به دیدگاه‌های سیاسی شاعر، پرداخته نشده است. برخی از آثار نیز با بررسی مکاتبات جامی با دربار، سعی در نشان دادن فعالیت‌های جامی در ارتباط با دربار داشته‌اند. فتوحی تکانتپه (۱۳۹۸) در

نوشتاری با عنوان «مقایسه سبک‌شناختی نامه‌های جامی و غزالی در بافت سیاسی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی» نشان داده که جامی از طریق همسویی با قدرت حاکم و غزالی با ایستادگی در برابر آن، دستگاه حکومت را کنترل و آنها را به اجرای عدالت و حمایت از مردم دعوت کرده‌اند. این پژوهش از نوع مقایسه است و در خلال مقایسه نامه‌ها، به بیان ایدئولوژی خانقاهی - سیاسی نقشبندیه مبنی بر تقرب به سلاطین و همسو نمودن آنان با نهاد تصوف می‌پردازد.

این پژوهش‌ها با انگیزه نشان دادن اندیشه‌های جامی به صورت کلی و بیشتر براساس آموزه‌هایی که به صورت تعلیمات مستقیم و به زبان خبری بیان شده، به رشته تحریر درآمده‌اند. حال آنکه در پژوهش حاضر دیدگاه‌های سیاسی جامی در هفت اورنگ و نجم رازی در مرصاد‌العباد بررسی شده است که به لحاظ اجتماعی در دو دوره متفاوت می‌زیسته‌اند. همچنین به هفت اورنگ از منظری متفاوت و براساس تحلیل محتوایی روایات داستانی آن پرداخته شده است.

### ۳- مبانی نظری

#### ۳-۱ سیاست

سیاست به لحاظ مفهومی از دو منظر قابل تعریف است؛ نخست، در مفهوم دینی که سوق دادن جامعه و افراد آن به سوی خیر و صلاح دنیا و آخرت است و مصداق قولی است از ربّ رحیم: «وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (بقره: ۲۰۱). در کشف‌تهانوی تعریف سیاست منطبق با تعاریف دینی است: «سیاست، به صلاح بازآوردن مردم است به وسیله ارشاد ایشان به راه نجات در دنیا و آخرت و آن از سوی انبیاء برای خاصه و عامه در ظاهر و باطن است و از سوی سلاطین در ظاهرشان و از سوی علماء که وارثان انبیاء هستند در باطن ایشان» (تهانوی، ۱۹۹۶: ۶۶۵/۱-۶۶۴). دیگر، تعریفی است که متأثر از تعالیم دینی نیست. در فرهنگ جاسمی به نقل از لیتره آمده است که «سیاست، علم حکومت بر کشور است» (جاسمی، ۱۳۵۸: ۲۵۴). فرهنگ علوم سیاسی، سیاست را چنین معنا می‌کند: «علم قدرت، که توسط دولت به شکلی به کار می‌رود که نظم اجتماعی را در جهت مصالح عمومی یا طبقه‌ای خاص تأمین کند... علمی که می‌آموزد

چه کسی می‌برد، چه چیزی را می‌برد، کجا می‌برد، چگونه می‌برد و چرا می‌برد؟» (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳: ۵۲۸).

### ۳-۲ آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی

مقصود از آرمان‌گرایی، رویکرد به اهداف عالی بدون توجه به واقعیت موجود است و از این حیث با واقع‌گرایی که به معنای انطباق حرکت براساس واقعیت است، در تضاد می‌باشد. عارفان مسلمان گاه با آرمان‌گرایی چشم بر واقعیت‌ها می‌بستند و در جهت تحقق اهداف عالی خویش تلاش می‌کردند و گاه در برابر واقعیت موجود تسلیم می‌شدند و آرمان‌های خود را در حدود واقعیت‌های موجود ترسیم می‌کردند.

درباره آرمان‌گرایی تعریف‌های متعددی وجود دارد. در یک تعریف، آرمان‌گرایی یا ایده‌آلیسم به‌عنوان یکی از مفاهیم فلسفی به معنای باور به تقدم شعور بر ماده است. در تعریفی دیگر، آرمان‌گرایی به معنای انکار جهان خارج از ذهن است که این تعریف معنای اصلی و شایع واژه آرمان‌گرایی است و آرمان‌گرایی را مسلک کسانی می‌داند که تنها ایده و تصورات ذهنی را واقعی می‌دانند و به وجود جهانی مستقل از ادراک، قائل نیستند و وجود عالم خارج را صرفاً ساخته ذهن خود می‌دانند. از منظری دیگر، آرمان‌گرایی به معنای کمال مطلوب تعریف می‌شود و از این حیث به کسی آرمان‌گرا گفته می‌شود که در زندگی اهداف و معیارهای بسیار بالایی دارد، در حالی که ممکن است این اهداف و معیارها با توجه به شرایط، غیرواقعی یا دسترس‌ناپذیر باشند (روشن ضمیر و عربی آیسک، ۱۳۹۸: ۱۷۶-۱۷۸).

از آنجا که پژوهش حاضر آرمان‌گرایی سیاسی دو عارف مسلمان را بررسی و مقایسه می‌کند، دیدگاه قرآن در این خصوص حائز اهمیت است. آیات قرآنی گاه توجه انسان را به آرمان و هدف نهایی بدون توجه به واقعیت رخ داده موجود معطوف می‌سازد. برای مثال در آیه ۱۳ آل عمران، خداوند می‌فرماید که اگر ایمان داشته باشید، در هر شرایطی پیروزی از آن شماست که مفهوم آن نشان از آرمان‌گرایی دارد: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹). در مقابل نیز برخی از آیات قرآن انسان را به توجه به واقعیت‌های بیرونی فرا می‌خوانند و غفلت از این واقعیت‌ها را سبب پشیمانی می‌دانند. برای

نمونه در قرآن به تفاوت‌های فردی مردم از لحاظ استعداد و توانایی جسمی و روحی و همچنین از لحاظ شرایط اقتصادی و اجتماعی پرداخته شده است و نه تنها این تفاوت‌ها را رد نکرده، بلکه آن را از جانب خدا می‌داند: «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحِمْتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (الزخرف: ۳۲)». چنین آیاتی در قرآن مبتنی بر واقع‌گرایی هستند که چنین واقعیت‌هایی را پذیرفته است تا هر فردی براساس توانایی و استعداد خویش مسیر زندگی خود را برگزیند. علت اینکه برخی آیات قرآنی انسان را به آرمان‌گرایی و برخی دیگر به واقع‌گرایی دعوت می‌کنند، این است که آرمان‌ها سبب غفلت از واقعیت نشود و در عین حال واقعیت، ما را از توجه به آرمان‌ها باز ندارد تا از غایت و هدف نهایی مسئولیت انسانی خویش غافل نشویم و در واقع توصیه قرآن حد وسط این دو مفهوم است تا با توجه به شرایط، به سوی آرمان‌گرایی یا واقع‌گرایی برویم. عارفان مطالعه‌شده در این پژوهش آرمان‌های سیاسی خود را گاه براساس واقعیت و گاه براساس آرمان‌های شخصی خود بنیان نهاده‌اند.

#### ۴- بررسی و بحث

##### ۴-۱ مکتب عرفانی جامی و نجم رازی

عبدالرحمن جامی علاوه بر زندگی خانقاهی و ارشاد مریدان نقشبندی در میان دولتمردان دربار تیموری نفوذ و سلطه داشت و معضلات و مشکلات عامه مردم را با ارائه توصیه‌هایی خطاب به درباریان حل و فصل می‌کرد. «سلطان او را به مجلس خویش می‌خواند و در بزرگداشت او سعی بسیار می‌ورزید» (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۲۸۸) و لذا «در آثار معاصران نام او مثل نام یک پادشاه یاد می‌شد» (همان: ۲۹۰). جامی را می‌توان شاعری دانست که بعد از ابن عربی در تقریر و ترویج اندیشه‌های وی به‌ویژه وحدت وجود سعی بلیغ داشت، اما از دیگر سو، دغدغه و نگرانی جامی از معاش انسان‌ها و معضلات و موانع زندگی آنان با نوع تصوّف وی که برخاسته از مشی و مرام فرقه نقشبندیه است، در ارتباط مستقیم است.

مبنای طریقت نقشبندیه ارتباط با حیات اجتماعی جامعه و سازش با مردم بود. مشایخ طریقت نقشبندیه در حل مشکلات مردم عادی و مظلوم نزد پادشاهان ایفای نقش می‌کردند. بنابر تعلیمات احرار، سالک راستین کسی است که وجودش همواره سبب



فصلنامه علمی ادبیات عرفانی، سال ۱۳، شماره ۲۶، پاییز ۱۴۰۰ / ۱۷

راحتی و آسایش مردم شود و به واسطه مصاحبت و ارتباط او و سلاطین، حاکمان در صدد تأمین منافع مردم برآیند (احرار، ۱۳۸۰: ۱۷۰). جامی نیز با همه مرتبتی که در عرفان داشت از بساط ارشاد گریزان بود و اصلاح حال ارباب طریقت را در معاشرت و مجالست می‌جست (صفا، ۱۳۶۷: ۴/۳۵۳).

نجم رازی از عارفان بزرگ سلسله کبرویه است که یکی از سلسله‌های عرفانی تأثیرگذار در ایران و طریقه منتسب به شیخ نجم‌الدین کبری است. بر خلاف سلسله نقشبندیه، گرایش نجم‌الدین کبری و مریدانش به شیعه دوازده امامی بود و از این حیث باید گفت که کمتر سلسله‌ای در تصوف سراغ داریم که چنین از ولایت شیعی سخن گوید (نصیری و درودگر، ۱۳۹۳: ۱۱۹-۱۳۷). در این طریقت عرفانی، علاوه بر مسائل فردی سیر و سلوک به ارزش‌های اجتماعی نیز نظر می‌شود و مریدان این مکتب نسبت به مسائل اجتماعی بی‌تفاوت نیستند. مکتب عرفانی نقشبندیه از این حیث با مکتب کبرویه سازگاری دارد و در هر دو مکتب توجه به مسائل اجتماع بر خلوت‌گزینی برتری دارد. نجم رازی از جمله صوفیانی است که به ارتباط متقابل سیاست و عرفان باور دارد و پادشاه در نگاه وی خلیفه‌الله فی الارض است که با کوچک‌ترین ظلم این جانشینی از او ساقط می‌شود. نجم‌الدین رازی بخشی از *مرصادالعباد* را به سلوک پادشاهان اختصاص داده است (رک: *مرصادالعباد*، ۱۳۱۲، باب پنجم، فصل اول: ۲۳۲) و اهتمام وی در این فصل بر این بوده که نحوه سلوک اهل‌القدرت را بیان کند.

#### ۴-۲ آرمان‌های سیاسی جامی و نجم‌الدین رازی

ویژگی‌های دوره حیات و نیز تعالیم مکتب عرفانی عبدالرحمن جامی و نجم‌الدین رازی سبب شد تا این دو عارف و شاعر مسلمان، بر خلاف چهره رایج عرفان، روی به سیاست آورند. با مطالعه *مرصادالعباد* و نیز حکایت‌های *هفت‌اورنگ*، مشخص شد که آرمان و چشم‌انداز سیاسی این دو عارف شهیر، در چهار بخش قابل بررسی است: چگونگی برگزیدن پادشاه، دیانت و سیاست پادشاه، شیوه سامان‌بخشی به اوضاع مظلومین در جامعه، و انتقاد از راهکار حکومت برای کسب درآمد.

#### ۴-۲-۱ چگونگی برگزیدن پادشاه

در باب به قدرت رسیدن پادشاه و بر تخت سلطنت نشستن، اعتقاد معمول در عهد فتودالیزم این بود که پادشاه فره ایزدی دارد و از این روی وی را برگزیده خدا خطاب می‌کردند که نه در برابر خلق، بلکه فقط در برابر خدا مسئول است و این امر سبب می‌شد تا آراستگی به اخلاق الهی برای پادشاه از ضروریات به شمار آید و همانگونه که پیش از این اشاره شد، حتی خون‌خوارترین حکومت‌ها مانند مغول‌ها هم به نوعی خود را مقید به عقاید مسلمانان جلوه می‌دادند. فره ایزدی یک موهبت اهورایی است که صاحب این موهبت می‌تواند با همت آن را به کمال برساند و در صورت خطا و خروج از اخلاق ایزدی، این جایگاه و موهبت از وی سلب می‌گردد. چنین دیدگاهی را در عهد مولوی نیز مشاهده می‌کنیم و در ایاتی از او شاهدیم که سلطنت را تنها در اختیار کسانی می‌داند که از فره ایزدی برخوردارند:

منم ز سایه او آفتاب عالم گیر  
که سلطنت رسد آن را که یافت ظلّ هما  
(مولوی، ۱۳۹۳: ۹۰)

چنین تفکراتی که آمیخته با نوعی جبرگرایی بوده، در اندیشه نجم رازی نیز نقش بسته است و می‌بینیم که او تاخت و تاز بی‌رحمانه مغول را تنها نتیجه غضب الهی بر مردمی می‌داند که از دستورات حق روی گردان بودند و آن را دلیلی بر نزول قهر الهی در شکل حمله کفار تتر می‌داند (نجم‌الدین رازی، ۱۳۱۲: ۸). نجم رازی حکومت را تنها به صورت سلطنت که حکمرانی بی حدّ و حصر یک نفر بر همگان است، تعریف می‌کند و این دیدگاه نشأت گرفته از عصر اوست که حکومت را به صورت موناشرسی یعنی حکومت شخصی واحد بر مردم پذیرفته‌اند (دورانت، ۱۳۷۰: ۳۴۷). وی در مرصاد‌العباد با اشاره به آیه ۲۶ سوره ص، سلطنت را خلافت و نیابت حق تعالی می‌داند: «يَا دَاوُدُ اَنَا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْاَرْضِ» اشارت است بدانچه پادشاه باید که پادشاهی خود را عطاء حق شناسد (نجم‌الدین رازی، ۱۳۱۲: ۲۳۴).

باور پذیرفته شده ایرانیان که نزد نجم رازی و هم‌عصرانش نیز نمود داشت، این بود که شاه دارای فره ایزدی است و از سایر افراد بشر برتر، و نایب و جانشین خدا در روی زمین

است و چون شاه دارنده فرّه ایزدی و برگزیده خداست، فقط در برابر خدا مسئول است، نه در برابر خلق؛ پس مشروعیت او فقط ناشی از این برگزیدگی است (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۱). در مقابل، جامی عقیده‌ای متفاوت با نجم رازی دارد که بر ضد تفکرات رایج تا آن زمان بود و به صورت یک ایده آرمانی در ذهن وی نقش بسته بود. این ایده جامی در *اسکندرنامه* از زبان پادشاه آرمانی وی، در داستان اسکندر که خود را بر خاک تواضع انداخت، اینگونه نقل شده است:

چنین گفت دانشور روم و روس	که چون رخت بست از جهان فیلقوس
سکندر برآمد به تخت بلند	صلایی به بالغ دلان درفکند
که ای واقفان از معاد و معاش	که هستیم با یکدگر خواجه تاش
سفر کرد ازین ملک شاه شما	به هر نیک و بد نیکخواه شما
نباشد شما را ز شاهی گزیر	که باشد به فرمان او دار و گیر
ندارم ز کس پایه برتری	که باشد مرا وایه سروری
ز خیل شما من یکی دیگرم	خیال سری نیست اندر سرم
بجویند از بهر خود مهتری	کرم پروری معدلت گستری

(جامی، ۱۳۸۵: ۹۳۷)

چنان که از این ابیات بر می آید، جامی به موضوع فرّه ایزدی و انتخابی بودن پادشاه از سوی خداوند معتقد نیست و از نظر او پادشاه برتری یا مزیت خاصی بر سایر افراد جامعه ندارد و باید بدون توجه به نسب و تنها براساس قابلیت و دانشی که دارد، انتخاب شود. این نکته در تفکرات جامی بسیار جالب و البته قابل تأمل است، زیرا او عقیده انتخابی شدن شاه را پیش می‌راند که تماماً با شرایط، واقعیت، مفکوره و اعتقاد معمول زمان فتودالیزم ضد بود و تنها خیال دورپرواز شاعر قادر بود که چنین اندیشه‌ای را در تفکر خود جا دهد (افصح‌زاد، ۱۳۷۸: ۲۷۰).

#### ۴-۲-۲ دیانت و سیاست پادشاه

ارتباط میان دیانت و سیاست از دیرباز مورد بحث پژوهشگران این حوزه بوده است و در این خصوص اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد. برخی مطابق با نظریه تباین، هیچ

ارتباطی میان عرفان و سیاست قائل نیستند: «از تئوری ولایت عرفانی، رهبری باطنی در می‌آید نه رهبری سیاسی و در مقام حکومت و مدیریت، ناکارآمد و بلکه بسیار خطرناک است» (سروش، ۱۳۷۸: ۲۸۰). برخی دیگر بر اساس نظریه وحدت عرفان و سیاست، معتقد به ارتباط این دو مقوله هستند و اساساً توفیق در اخلاق و عبادت را منوط به شرکت در فعالیت‌های سیاسی می‌دانند و در واقع سیاست انسانی را در مدیریت جامعه به سوی عالی‌ترین اهداف مادی و معنوی تعریف می‌کنند (جعفری، ۱۳۷۳: ۱۰۵).

عبدالرحمن جامی و نجم رازی هر دو به ارتباط میان عرفان و سیاست باور دارند و حضور ایشان در عرصه فعالیت‌های سیاسی نیز مؤید همین مطلب است. اما درباره دیانت و سیاست پادشاه، دیدگاهی متفاوت نسبت به یکدیگر دارند. نجم‌الدین رازی بر این باور است که دیانت برای پادشاه یک اصل بنیادین به حساب می‌آید و دیانت پادشاه تا جایی نزد وی حائز اهمیت است که حتی عدالتی را که بر پایه طبع و نه بر پایه شرع باشد، قابل اعتنا نمی‌داند: «چون حکومت به حق کند به فرمان حق کند نه برای هوای نفس و دنیا و خلق، اگرچه عدل کند به طبع نکند به شرع کند و برای حق کند نه برای خلق» (نجم‌الدین رازی، ۱۳۱۲: ۲۳۵). به نظر، این دیدگاه به تعبیر و برداشت وی از مفاهیم «ظل‌الله» و «خلیفه فی الارض» مرتبط باشد. وی سلطنت و خلافت را نیابت حق تعالی در زمین می‌داند و معتقد است که حق تعالی در سایه همای، سرّی از اسرار لطف خویش ودیعت نهاد و هرگاه سایه مرغ همای بر سر شخصی افتد، آن شخص عزت سلطنت می‌یابد (همان: ۲۳۲-۲۳۳).

به نظر می‌رسد ظلم افزون شاهان در آن عهد سبب شده تا نجم رازی دیانت و تخلّق به اخلاق الهی را اصلی مهم برای شاهان برشمارد. او پادشاهی را وسیله‌ای برای تقرّب به حضرت عزت یاد می‌کند و می‌گوید که چون سلطان خلیفه‌الله است، پس در قیقت سایه خداوند بر روی زمین است و شرط این سایگی و خلافت را در بهره‌مندی از صفت مستخلف می‌داند تا با چنین خصیصه‌هایی بتواند پناهگاه مظلومان باشد. وی با لحنی تند عنوان می‌کند که وقتی پادشاهی که قرار است پناهگاه مظلومان باشد، خود عامل ظلم بر مردم شود، دیگر نمی‌توان وی را ظل‌الله یا خلیفه‌الله خواند:

دارو سبب درد شد اینجا چه امید است      زایل شدن عارضه و صحت بیمار  
(همان: ۲۴۴)

جامی در این زمینه نظری کاملاً متفاوت با نجم رازی دارد. او با توجه به رضایتی که از عملکرد سلطان در خصوص آرامش و رفاه نسبی جامعه داشته و با علم به غارت‌ها و خونریزی‌های مغولان به نام دین و دینداری، دیانت را چندان برای شاه مهم نمی‌داند و شرط اساسی پادشاهی را اجرای عدالت و حمایت از خلق در برابر ظالمان می‌داند. این در حالی است که تا پیش از عهد جامی، پادشاه سایه خدا در زمین بود و به همان اندازه که سلطان سردار حکومت بود، پیشوای دینی و مذهبی هم بود. در چنین شرایطی، پادشاه عادل بی دین را از پادشاه ظالم دیندار بالا گذاشتن، نیاز به یک جسارت فوق‌العاده مدنی دارد (افصح زاد، ۱۳۷۸: ۲۷۰). جامی در روضه سوم بهارستان، این عقیده خود را آشکارا بیان می‌کند: «حکمت در وجود سلاطین، ظهور نصف و عدالت است، نه ظهور به صفت عظمت و جلالت. نوشین روان با آنکه از دین بیگانه بود، در عدل و راستی یگانه بود... در تواریخ چنانست که پنج هزار سال سلطنت عالم تعلق به گبران و مغان داشت و این دولت در خاندان ایشان بود زیرا که با رعایا عدل می‌کردند و ظلم روا نمی‌داشتند:

عدل و انصاف دان نه کفر و نه دین آنچه در حفظ ملک در کارست  
عدل بی دین نظام عالم را بهتر از ظلم شاه دیندارست  
(جامی، ۱۳۷۱: ۴۵-۴۶)

جامی مراد از سلطنت را تأمین رفاه مردم می‌داند و این بدان خاطر است که در نگاه او سلطان ظل الله است که سایه فضل الهی به وسیله عدل وی به خلق می‌رسد (افصح زاد، ۱۳۷۸: ۲۶۵-۲۶۴).

#### ۴-۲-۳ شیوه سامان بخشی به اوضاع مظلومان در جامعه

یکی از دغدغه‌هایی که برای یک عارف مسئولیت‌پذیر وجود دارد، اوضاع مظلومان در جامعه است. درباره اوضاع اسف‌بار اجتماع در عصر نجم رازی پیش از این توضیحاتی ارائه شد. پریشانی اوضاع اجتماعی عصر نجم رازی تا حدی بود که وی بهترین راه خروج از این اوضاع را در اصلاح قانون می‌داند. نجم رازی در مرصادالعباد به این موضوع مهم نیز پرداخته است و نظرات خود را برای رهایی مظلومان از ظلمی که در آن قرار داشتند، در چهار بخش عنوان کرده است. وی در گام نخست، شرط نیابت حق تعالی را در مقید بودن

به دستورات شرع می‌داند. در مرحله بعدی پادشاه را مسئول حفظ برابری میان رعایا معرفی می‌کند تا مبادا قوی بر ضعیف استیلا یابد. سومین پیشنهاد وی بازنگری و تصحیح قوانینی است که از شاهان گذشته به یادگار مانده و به واسطه آن قوانین رعیت در تنگنا قرار داده می‌شوند. در نهایت، او معتقد است که امور رعیت باید توسط شخص پادشاه و نه اصحاب دیوان و ارباب مناصب، رسیدگی و حل و فصل شود (نجم‌الدین رازی، ۱۳۱۲: ۲۴۶-۲۴۹). اما در بستر آرامش حاکم بر عهد جامی، وی برای سامان‌بخشی به اوضاع جامعه، برقراری صلح اجتماعی میان ظالم و مظلوم را پیشنهاد می‌کند (افصح‌زاد، ۱۳۷۸: ۲۶۲). از این‌روست که وی به دولتمندان، سخاوت و بیچاره‌نوازی را توصیه می‌کند:

هر چه داری ببخش و نام بر آر      به نکویی و نام نیک گذار  
زانکه زیر زمردین طارم      نام نیکو بود حیات دوم  
هر چه دادی نصیبت آن باشد      وانچه نی حظ دیگران باشد  
(جامی، ۱۳۸۵: ۲۸۵-۲۸۴)

جامی برای تشویق دولتمندان به سخاوت، در حکایت «معامله و مقاوله حکیم با زن» از دفتر سوم سلسله‌الذهب، حکیم خطاب به زنی که بیشتر پول خود را به نیازمندان بخشید و مابقی را صرف امور زندگی خویش نمود، چنین می‌گوید:

هر چه دادی همان ذخیره تست      روشنی‌بخش روز تیره تست  
و آنچه از بهر خود نهادستی      جای در جیب و کیسه دادستی  
ز آن شود کار وارثی به‌رواج      یا کند دست حادثی تاراج  
(همان: ۲۸۵)

و سپس از مفلسان می‌خواهد که قناعت پیشه کنند و فقرا را به قناعت دعوت می‌کند. وی برای بیان منظور خویش در مثنوی *سلامان*، در «حکایت آن پاره دوز که هر ساله یک بار میوه تازه می‌خرد»، چنین می‌گوید:

در ری پینه‌دوزی می‌زیست که زیر مخارج زندگی کمرش خم شده بود. هر سال از میوه‌های نوبرانه به اندازه کافی می‌خرید و نزد فرزندان می‌برد و خطاب به آنان می‌گفت که اگر صد بار هم از این میوه‌ها بخورید طعم و عطرش تغییری نخواهد

کرد. پس ترک آرزومندی کنید و به همین یک بار رضایت خاطر داشته باشید:  
ترک آز و آرزومندی کنید      طبع را مایل به خرسندی کنید  
(همان: ۳۲۲)

جامی با دعوت توانمندان به جود و کرم و نیز درخواست از تنگدستان و فقرا برای قناعت‌پیشگی در پی آن است که میان ظالم و مظلوم صلح اجتماعی برقرار کند تا با برقراری رفاه عمومی، امنیت جامعه به خطر نیفتد. لذا در گام بعدی، ساخت مطلقیت پادشاهی را پیشنهاد می‌کند که براساس عدل و انصاف و دانش ساخته شده باشد (افصح زاد، ۱۳۷۸: ۲۶۲). در واقع، وی آسودگی خلق را وظیفه اصلی پادشاه می‌داند. چرا که او رعیت را رمه و پادشاه را چوپانی می‌داند که باید برای محافظت این رمه از گرگ که همان ظالم است بکوشد و عدالت را برای سلطنت به مثابه ستونی می‌داند که بدون آن سلطنت پایدار نخواهد ماند. و از این رو در دفتر اول *سلسله الذهب* خطاب به سلطان حسین بایقرا چنین می‌گوید:

ای به شاهی بلند آوازه	کردی آیین خسروی تازه
حق ز شاهان به غیر عدل نخواست	آسمان و زمین به عدل پیاست
سلطنت خیمه‌ایست بس موزون	کش بود راستی و عدل ستون
شاه باشد شبان و خلق همه	رمه و گرگ آن رمه ظلمه
چون شبان سازگار گرگ بود	رمه را آفتی بزرگ بود

(جامی، ۱۳۸۵: ۱۴-۱۵)

از کلام جامی چنین بر می‌آید که فقط پادشاه می‌تواند از رعیت در برابر ظلمی که اتفاقاً به زعم جامی از جانب عمال حکومتی است، محافظت کند. در دفتر سوم *سلسله الذهب*، در «حکایت سلطان غازان که ظالمی را برای توبره کاه گشت»، این دیدگاه جامی مشهود است. در این حکایت، سلطان غازان، صاحب منصبی که توبره‌ای کاه را به زور از فقیری ستانده بود، در آتش سوزاند تا ظلم او به رعیت به سایر صاحب‌منصبان حکومتی سرایت نکند (همان: ۲۷۵-۲۷۴).

#### ۴-۲-۴ انتقاد از راهکار حکومت برای کسب درآمد

در عهد نجم‌الدین رازی دربارهٔ اوقاف، آنچنان که حق وقف است، عمل نمی‌شد و مال وقفی برای مصارفی غیر از آنچه صاحب مال تعیین کرده بود، استفاده می‌شد. این را می‌توان از کلام وی در *مرصاد‌العباد* دریافت. در زمان وی، حکومت برای جبران برخی کاستی‌ها از اموال موقوفه برای مصارف غیر استفاده می‌کرد که این موضوع برای عارف متشرعی همچون نجم رازی پذیرفتنی نبود. براساس نظر وی اموال موقوفه باید مطابق نظر صاحب مال در جهت بهره‌مندی مظلومان و محرومان استفاده شود.

نجم‌الدین رازی یکی از سعادت‌های ملوکانه را احیای خیرات و اوقاف می‌داند. چرا که در غیر این صورت مستحقان مظلوم که از بهرهٔ آن خیرات محروم می‌شوند، نفرین خواهند کرد که این نفرین دامن‌گیر خواهد شد. در نگاه وی شرط عقل و دین نیست که مال وقفی بر قسم دیگر صرف شود که اگر چنین شود صاحبان وقف به درگاه حق، در برابر چنین ظلمی، تظلم خواهند نمود. از این روی بر پادشاه فرض می‌داند که مال وقف را بر مستحقان مقرر دارد و فردی امین و صاحب دیانت را بر امور اوقاف بگمارد. در اندیشهٔ نجم‌الدین رازی، پادشاه باید در کارها دو طرف افراط و تفریط را نگاه دارد تا نه از مبالغت وی در سیاست هراسان و نفور شوند و نه از زیادتِ حِلْمِ وی ظلمهٔ مستولی شوند و کار بر مصلحان و ضعفاء تنگ گردد. لذا، وجود شخص خردمند و هوشیار و صادق‌القولی که صاحب دین و دیانت باشد را برای پادشاه ضروری می‌داند تا همواره پادشاه را بر جملگی احوال ممالک باخبر سازد تا اگر بر رعیت ظلمی رود به پادشاه عرضه دارد (نجم‌الدین رازی، ۱۳۱۲: ۲۵۹-۲۶۳).

اما مشکلی که در عهد جامی محسوس بود، مربوط به کارگزاران حکومتی می‌شد و این مسأله در موضوع مربوط به مالیات نمود بیشتری داشت. اصل «خلوت در انجمن» که شعار اصلی نقشبندیه بود، سبب می‌شد تا افرادی همچون خواجه احرار و جامی، نسبت به ظلم و بی‌عدالتی بی‌تفاوت نباشند و به چنین مواردی واکنش نشان دهند. چنانکه یکی از سنگین‌ترین مالیات‌های عصر جامی «تمغا» بود که «این نوع مالیات از نظر روحانیان، شرعی نبود» (میرجعفری، ۱۳۹۵: ۲۱۵). «تمغا» تا روزگار ابوسعید گورکان رواج داشت و بر اثر اصرار خواجه احرار، سلطان مذکور آن را لغو کرد (مایل هروری، ۱۳۸۹: ۲۷). در



روضات الجنات نیز به این موضوع اشاره شده: «سلطان سعید به کرات و مرآت به زیارت خواجه تشریف فرمود و به هر چه رأی منیر (حضرت) ارشاد پناهی میل فرمود درجه قبول یافت. و تمغاء بخارا که مبلغ سنگین و گرانمند بود بخشش یافته، مطلقاً برافتاد و سلطان سعید متعهد گشت تمغاء تمام ممالک محروسه را با جمیع منکرات و مناهی براندازد» (اسفزاری، ۱۳۳۹: ج ۲، ۱۹۳). جامی در دفتر اول سلسله الذهب به شغل تمغاجی اشاره کرده است و از فشار مالیاتی بر مردم انتقاد می کند و نشان می دهد که چگونه تمغاجیان با گرفتن مالیات های سنگین از رعیت، مردم را تحت فشار قرار می دهند. به گفته جامی این فشار به حدی بود که اگر معامله ای بدون مهر تمغاجی صورت می پذیرفت، تمغاجیان آن معامله را به آشوب می کشاندند:

فی المثل گر یکی ز عام الناس بفروشد سه چار گز کرباس  
خالی از داغ صاحب تمغا در همه شهر افکند غوغا  
(جامی، ۱۳۸۵: ۱۰۳)

یکی دیگر از بخش های دربار عهد تیموریان که جامی در هفت/ورنگ به انتقاد از آن پرداخته، دیوان احتساب است که وظیفه آن رسیدگی به اوضاع بازار بود و «وظیفه رسیدگی به نرخ بازار و اوزان و مقادیر خرید و فروش و نظارت بر بدی یا مرغوبی اجناس روستاییان و پیشه‌وران را داشت» (راوندی، ۱۳۸۲: ۶۳۱). یکی از مأموران این دیوان، شحنه بود که جامی در حکایت هایی از هفت/ورنگ به انتقاد از شحنه پرداخته است. وی معتقد است که تمغاجیان با همدستی شحنه به بهانه های مختلف سعی در آزار و چپاول اموال مردم دارند و در دفتر اول سلسله الذهب به این موضوع اشاره می کند و شحنه را از شرع بی بهره می داند:

آن که شرع خدای ازوست تباه نیست گویا ز سر شرع آگاه  
کرده در کوی و خانه و بازار شرع و دین را بهانه آزار  
میر بازار و شحنه شهر است شرع از او ز شرع بی بهر است  
فی المثل گر یکی ز عام الناس بفروشد سه چار گز کرباس  
خالی از داغ صاحب تمغا در همه شهر افکند غوغا

سازد او را نکرده هیچ گناه پشت و پهلو به ضرب دره سیاه  
(جامی، ۱۳۸۵: ۱۰۲-۱۰۳)

سپس در سبحة‌الابرار، عیاران روزگار را به صبر در برابر ظلم شحنه فرا می‌خواند و معتقد است که صبر در برابر این همه ظلم در نهایت پیروزی به همراه خواهد داشت:

شحنه‌ای گفت که عیاری را مانده در حبس گرفتاری را  
بند بر پای برون آوردند بر سر جمع سیاست کردند  
شد ز بس چوب چو انگشت سیاه لیک بر نامد ازو شعله آه  
صبر اگر چند که زهر آیین است عاقبت همچو شکر شیرین است  
(همان: ۴۹۸-۴۹۹)

#### ۵- نتیجه‌گیری

مطالعه و بررسی آرمان‌های سیاسی این دو عارف قرن‌های ۷ و ۹ هجری در دو اثر مرصادالعباد و هفت اورنگ نشان می‌دهد:

- ۱) ظلم و فسق فراوان در عهدی که نجم‌الدین رازی می‌زیست، سبب شد تا وی سلطنت را در حکمرانی مطلق یک نفر بر همگان تعریف کند (واقع‌گرایی). مطابق تعریف نجم‌الدین از فره ایزدی، که آن را برگزیده شدن از سوی خداوند می‌داند، شاه فقط در برابر خداوند مسئول است. اما در مقابل، جامی هیچ مزیت خاصی برای پادشاه نسبت به مردم قائل نیست و معتقد است که پادشاه باید توسط کارگروهی متخصص و براساس قابلیت و دانش انتخاب شود (آرمان‌گرایی).
- ۲) نجم‌الدین رازی دیانت را برای پادشاه بسیار ضروری می‌داند و این ضرورت آن قدر نزد وی دارای اهمیت است که حتی عدالتی را که بر پایه شرع نباشد، دارای ارزش نمی‌داند. هر چند شرایط زمانه نجم‌رازی حکایت از آن دارد که این دیدگاه او بیشتر آرمانی است و نمی‌توان آن را بر پایه واقعیت موجود عصر وی دانست. ولی جامی که در عصری آمیخته با رفاه و نیز برخوردار از اعتبار در دربار سلطان حسین می‌زیسته است، در این خصوص انعطاف بیشتری دارد و با توجه به میگزاری‌های سلطان حسین به عنوان یک حاکم طرفدار شرع، دیانت و

پابندی به شرع را برای پادشاه چندان ضروری نمی‌داند و در عوض شرط اساسی را برای پادشاه، اجرای عدالت و حمایت از مظلومان در برابر ظالمان عنوان می‌کند که این دیدگاه بر پایه واقعیت موجود در عصر جامی است.

۳) نجم‌الدین رازی با اشاره به قوانین نادرست پادشاهان گذشته، تنها راه برون‌رفت مظلومان از اوضاع نابسامان اجتماعی را در اصلاح قانون اعلام می‌کند و شرط تحقق این آرمان را در رهایی پادشاه از آمارگی نفس برمی‌شمارد. در مقابل، جامی برقرای صلح اجتماعی میان ظالم و مظلوم را در جامعه خویش به عنوان یک راهکار مناسب برای آرامش بیشتر طبقه مظلوم جامعه معرفی می‌کند. در صلح اجتماعی مورد نظر جامی، توانگران با برخورداری از جود و سخاوت از مستمندان دستگیری می‌کنند و ضعیفان بر آنچه دارند، قناعت می‌ورزند تا هم تبعیض اجتماعی کمرنگ‌تر شود و هم مانع از بروز اعتراض مظلومان جامعه گردد که این هم یک دیدگاه واقع‌گرایانه است.

۴) نجم‌الدین رازی و عبدالرحمن جامی نسبت به نوعی از درآمد دولت و دولتمردان معترض بودند. این اعتراض در عصر نجم‌الدین رازی به موضوع اوقاف مربوط بود که در آن عصر اموال موقوفه را در راهی غیر از آنچه وقف شده، استفاده می‌کردند. این اعتراض در عهد جامی، بیشتر معطوف به موضوع مالیات بود و از آنجا که برخی از صاحب‌منصبان از قدرت خویش برای اخذ مالیات‌های زوری و اجباری سوء استفاده می‌کردند، جامی در *هفت اورنگ* به این موضوع واکنش نشان داده است. سوء استفاده از اموال وقفی توسط دولت در عهد نجم رازی و نیز اخذ مالیات‌های سنگین و بعضاً غیرقانونی در عصر جامی، حاکی از آن است که مردم و حکومت این دو عصر به لحاظ توان اقتصادی در شرایط متفاوتی بوده‌اند.

در مجموع، با توجه به مکتب عرفانی نجم رازی که بر خلاف مکتب فرقه نقشبندیه، شیعه دوازده امامی و معتقد به ولایت شیعی بود، درباره خصائل آرمانی پادشاه همواره دین و شریعت را مد نظر قرار دارد، حال آنکه جامی با توجه به سیاست فرقه نقشبندیه که نزدیکی به دربار را جست‌وجو می‌کردند، در این خصوص انعطاف بیشتری دارد تا جایی که عدل را برای پادشاه مهم‌تر از دیانت می‌داند اما نجم رازی عدالتی را که از شرع

برنخیزد، بر نمی‌تابد. و سخن پایانی اینکه دیدگاه‌های سیاسی جامی می‌توانست با توجه به واقعیت‌های عصر وی قابل تحقق باشد. هر چند خود او نیز می‌دانست آنچه وی از دستگاه حکومت انتظار دارد، به‌طور کامل شدنی نیست و از این رو پادشاه آرمانی خود را در اسکندری خیالی جست‌وجو می‌کند. اما نجم رازی به‌جز در نحوه به قدرت رسیدن پادشاه، در سایر موارد آنچه را می‌گوید صرفاً بر پایه آرمان‌های سیاسی وی است که به نظر در عهد او قابل تحقق نبوده است.

### منابع

- قرآن کریم. ترجمه الهی قمش‌های (۱۳۸۹). انتشارات گلی.
- احرار، خواجه عیبدالله (۱۳۸۰). *ملفوظات*. تحریر عبدالاول نیشابوری. در مجموعه احوال و سخنان خواجه عیبدالله احرار. تصحیح عارف نوشاهی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان آستانه (۱۳۸۲). *روش‌های کاربردی تحقیق*. ج ۱. تهران: کیهان.
- اسفزاری، معین‌الدین محمد (۱۳۳۹). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*. با تصحیح و حواشی و تعلیقات محمد کاظم امام. ج ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- افصح زاد، اعلا خان (۱۳۷۸). *نقد و بررسی آثار و شرح احوال جامی*. با همکاری انستیتو شرق‌شناسی و میراث خطی. زیر نظر دفتر نشر میراث مکتوب. چاپ اول. تهران: مرکز مطالعات ایرانی.
- آقابخش، علی و مینو افشاری راد (۱۳۸۳). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: نشر چاپار.
- تهانوی، محمدعلی بن علی (۱۹۹۶). *کشاف اصطلاحات الفنون*. ترجمه جورج زیناتی و عبدالله خالدی. چاپ اول. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- جاسمی، محمد و بهرام جاسمی (۱۳۵۸). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: انتشارات گوتنبرگ.
- جامی، عبدالرحمن (۱۳۷۱). *بهارستان*. به تصحیح دکتر اسماعیل حاکمی. چاپ دوم. تهران: انتشارات اطلاعات.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۸۵). *مثنوی هفت اورنگ*. تصحیح مرتضی مدرس گیلانی. چاپ اول. تهران: انتشارات اهورا.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳). *عرفان اسلامی*. تهران: دانشگاه شریف.
- درگاهی، محمود (۱۳۸۵). «جامی و جامعه او». *پژوهشنامه ادب غنایی*. سال چهارم. شماره ۷. صص ۵۲-۳۵.

فصلنامه علمی ادبیات عرفانی، سال ۱۳، شماره ۲۶، پاییز ۱۴۰۰ / ۲۹

دورانت، ویل (۱۳۷۰). *لذات فلسفه*، ترجمه عباس زریاب خویی. چاپ ششم. تهران: سازمان انتشارات انقلاب اسلامی.

رازی، نجم‌الدین (۱۳۱۲). *مرصادالعباد*. به سعی و اهتمام حسین‌الحسینی‌التعمه‌اللّهی. مطبعه مجلس. راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). *تاریخ اجتماعی ایران*. جلد چهارم. بخش اول و دوم. چاپ اول. تهران: انتشارات نگاه.

رحیمی، مهدی، احمد خواجه ایم و اعظم نگاریان (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی ادبیات سیاسی در گلستان سعدی، بهارستان جامی و پریشان قآنی». دومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ.

رضی، احمد (۱۳۸۶). «روش در تحقیقات ادبی ایران». *پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)*. دوره ۱. شماره ۱. صص ۱۲۹-۱۴۱.

روشن‌ضمیر، محمدابراهیم و علی عربی آیسک (۱۳۹۸). «آرمان‌گرایی در عین واقع‌گرایی از منظر قرآن». *آموزه‌های قرآنی*. شماره ۲۹. صص ۱۷۵-۱۹۷.

زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹). *با کاروان حله*. چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات علمی.

سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸). *بسط تجربه نبوی*. تهران: نشر صراط.

شاه‌ملکی، رضا (۱۳۹۷). «سرچشمه‌های تصوف، سیاست و عرفان در آثار نجم‌الدین رازی و ااکاوی اندیشه ایران‌شهری در آن (با تأکید بر *مرصادالعباد* و *مرسوزات اسدی*)». *اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ایران*: تهران.

شفق، اسماعیل و فروزان آزادبخت (۱۳۹۲). «بررسی «سلطانیات» در مکتوبات مولوی و منشآت جامی. *زبان و ادب فارسی*. (نشریه سابقه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز). دوره ۶۶. شماره ۲۲۷. صص ۷۱-۹۴.

شیرخانی، علی و جعفر ساسان (۱۳۹۵). «واکاوی وجوه تعاملی عرفان و سیاست در اندیشه‌های نجم‌الدین رازی». *پژوهش‌های سیاست اسلامی*. دوره ۴. شماره ۱۰. صص ۸۵-۱۰۷.

صدقی، حسین (۱۳۸۰). «اندیشه‌های جامی در مثنوی‌های هفت اورنگ». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تبریز)*. دوره ۴۴. شماره ۱۷۹-۱۷۸. صص ۱۱۹-۱۵۴.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۷). *تاریخ ادبیات در ایران*. ج ۴. چاپ هشتم. تهران: انتشارات فردوس.

صفری، جهانگیر و ابراهیم ظاهری (۱۳۸۹). «پیوند سیاست با عرفان در *مرصادالعباد* نجم‌رازی». *مطالعات عرفانی*. شماره ۱۲. صص ۹۹-۱۲۰.

فتوحی تکانته، سوسن (۱۳۹۸). «مقایسه سبک شناختی نامه‌های جامی و غزالی در بافت سیاسی با

۳۰ / آرمان‌های سیاسی جامی و نجم‌الدین رازی در هفت اورنگ و مرصادالعباد / سید محرمی و ...

رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی». فصلنامه زبان و ادب فارسی. دوره ۱۱. شماره ۳۹. صص ۱۳۹-۱۶۴.

گروسه، رنه (۱۳۵۳). امیراطوری صحرا نوردان. ترجمه عبدالحسین میکده. چاپ اول. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مایل هروی، نجیب (۱۳۸۹). شیخ عبدالرحمن جامی. چاپ دوم. تهران: انتشارات طرح نو. محمدی، برات و مریم حداد خانشان (۱۳۹۸). «تعالیم اخلاقی و آموزه‌های تربیتی در مثنوی سلسله‌الذهب جامی». فصلنامه نقد، تحلیل و زیبایی‌شناسی متون. دوره ۲. شماره ۱. صص ۱۳۴-۱۵۲.

مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد (۱۳۹۳). کلیات شمس تبریزی. براساس نسخه تصحیح شده بدیع‌الزمان فروزانفر. چاپ اول. تهران: انتشارات نیک فرجام.

میرجعفری، حسین (۱۳۹۵). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان. چاپ سیزدهم. دانشگاه اصفهان و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

نصیری، محمد و محمد رودگر (۱۳۹۳). «گرایش‌های شیعی کبرویه». پژوهشنامه تاریخ اسلام. دوره ۱. شماره ۱۳. صص ۱۱۳-۱۴۵.

همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۷). «فره ایزدی و حق الهی پادشاهان». ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی. دوره ۱۲. شماره ۱۳۰-۱۲۹. صص ۴-۱۹.

ولایتی، علی اکبر و سجاد محمدی (۱۳۹۰). نورالدین عبدالرحمن جامی. چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## References

- Holy Quran*. Translated by Elahi Ghomshei (2010). Goli Publications.
- Afsah zaad, A. (1999). *Critique of Jami's works and biography*. Edited by the Institute of Oriental Studies and Manuscript Heritage, under the auspices of the Miras -e- Maktoub Publishing Office. 1<sup>th</sup> ed. Tehran: Center for Iranian Studies.
- Aghabakhshi, A. and Afshari Rad, M. (2004). *Culture of Political Science*. Tehran: Chapar Publishing.
- Ahrar, O. (2001). *Malfouzat*. Written by Abdul Awal Neyshabouri, in the collection of moods and speeches of Khajeh Obaidullah Ahrar. Edited by A. Noshahi. Tehran: University Publishing Center.
- Asfzari, M. (1960). *Rawzat al-Jannat in the descriptions of the city of Herat*. Edited by M.K Imam. vol 2. Tehran: University of Tehran Press.
- Dargahi, Mahmoud. (2006). "Jami and his community". *Journal of Lyrical Literature*. 4 (7). 35-52.
- Durant, W. (1991). *The Pleasures of Philosophy*. Translated by A. Zaryab Khoei. 6<sup>th</sup> ed. Tehran: Islamic Revolution Publishing Organization.
- Ezkia, M. and Astaneh darbban, A. (2003). *Applied Research Methods*. Vol 1. Tehran: Kayhan.
- Fotouhi Tekantape, S. (2019). "Comparing the cognitive style of Jami and Ghazali's letters in the political context of critical discourse analysis". *Persian Language and Literature Quarterly*. 11(39). 139-164.
- Grosse, R. (1974). *The Empire of the Steppes*. Translated by A.H. Meykadeh. 1<sup>th</sup> ed. Tehran: Book Translation and Publishing Company.
- Homayoun Katozian, M.A. (1998). "Divine God and the Divine Right of Kings". *Monthly political-economic information*. 12 (129-130). 4-19.
- Jafari, M.T. (1994). *Islamic mysticism*. Tehran: Sharif University.
- Jami, A.R. (1992). *Baharestan*. Edited by I. Hakemi. 2<sup>th</sup> ed. Tehran: Information Publications.
- Jami, A.R. (2006). *Masnavi Haft Aurang*. Edited by M. Modarres Gilani. 1<sup>th</sup> ed. Tehran: Ahura Publications.
- Jasemi, M. and Jasemi, B. (1979). *Culture of Political Science*. Tehran: Gutenberg Publications.
- Mayel Heravi, N. (2010). *Sheikh Abdul Rahman jami*. 2<sup>th</sup> ed. Tarh Now publications.
- Mirjafari, H. (2016). *History of Political, Social, Economic and Cultural Developments in Iran During the Timurid and Turkmen Periods*. 13<sup>th</sup> ed. Tehran and Isfahan: SAMT and Isfahan University.
- Mohammadi, B and Haddad Khanshan, M. (2019). "Ethical teachings and educational teachings in Masnavi of the Jami Dynasty". *Quarterly Journal of Critique, Analysis and Aesthetics of Texts*. 1(2). 152-134.
- Nasiri, M. and Roodgar, M. (2014). "Shiite Inclinations of Kubrawiyya". *Quarterly research journal of Islamic history*. 1 (13). 113-145.

- Raazi, N. (1933). *Mersad al-'Ebad*. Edited by H. al-Husseyini's blessing. Majlis Press
- Rahimi, M and Khajehim, A and Negarian, A. (2019). "A Comparative Study of Political Literature in Golestan Saadi, Baharestan Jami and Parishan Qaani". *The Second International Conference on the Study of Language, Literature, Culture and History*.
- Ravandi, M. (2003). *Social History of Iran*. Vol 4. Part 1 and 2. 1<sup>th</sup> ed. Tehran: Negah Publications.
- Razi, A. (2007). "Methodology in Literary Research in Iran". *Researches on mystical literature (Gowhar Guya)*. 1 (1). 129-141.
- Roushanzamir, M. and Arabi Ayask, A. (2019). "The Realistic Idealism from Quranic Point of View". *Quranic Doctrines*. (29). 175-197.
- Rumi, J. M. (2014). *Generalities of Shams Tabrizi, based on the corrected version of Badi'at al-Zaman Forouzanfar*. 1<sup>th</sup> ed. Tehran: Nik Farjam Publications.
- Safa, Z. (1988). *History of Literature in Iran*. Vol 4. 8<sup>th</sup> ed. Tehran: Ferdows Publications.
- Safari, J and Zāheri, E. (2010). "The Links between Politics and Mysticism in Najm Rāzi's Mersād al-Ebād". *s-erfani*. 1 (12). 99-120
- Sedghi, H. (2001). "Jami's thoughts in the masnavi of Haft Aurang". *Journal of faculty of letters and humanities (TABRIZ)*. 44 (178-179). 119-153.
- Shafagh, E and Azadbakht, F. (2013). "Consideration of Soltaniyyat in Mowlana's writings and Jaamis literary compositions". *Journal of Persian Language & Literature (Former Journal of the Faculty of Literature, University of Tabriz)*. 66 (227). 71-94.
- Shah Maleki, R. (2019). "The sources of Sufism, politics and mysticism in the works of Najmuddin Razi and the analysis of Iranshahri thought in it (with Emphasis on Mersad Al-Ebad's Observations and Asadi's Mysteries)". The First National Conference on Sustainable Development in Humanities and Cultural Studies of Iran. Tehran.
- Shirkhani, A. and Sasan, J. (2017). "Analyzing the Interactive Dimensions of Mysticism and Politics in the Thoughts of Najm al-Din Razi". *Islamic Politics Research*. 4 (10). 85-107.
- Soroush, A.K. (1999). *Expansion of Prophetic Experience*. Tehran: Sarat Publishing.
- Tahanwi, M. A. (1996). *Kashaf Istilahat al-funun*. Translated by G. Zinati and A. Khaledi. 1<sup>th</sup> ed. Beirut: Lebanese School of Publishers.
- Velayati, A.A and Mohammadi, S. (2011). *Nour Al-Din jami*. 1<sup>th</sup> ed. Tehran: Amirkabir Publications.
- Zarrinkoob, A.H. (2000). *Ba Karvan-e-Holleh*. 12<sup>th</sup> ed. Tehran: Elmi Publications.





## Political Ideals of Jami and Najm al- Din Razi in *Haft Aurang* and *Mersad al-Ebad*<sup>1</sup>

Ehsan Seyyed Moharrami<sup>2</sup>  
Hamid Reza Soleimanian<sup>3</sup>  
Abbas KheirAbadi<sup>4</sup>  
Mahmoud Firouzi Moghaddam<sup>5</sup>

Received: 2021/07/02

Accepted: 2021/11/04

### Abstract

This article seeks to explain the political views of two famous mystics holding different mystical views than those of Khanghah-Sufis, Jami (9th century AH) and Najm al- Din Razi (7th century AH), through the study of their anecdotes, *Haft Aurang* and *Mursad al-Ebad*. Although entering the realm of politics and affiliation with the court has long been a point of contention for intellectuals and mystics, mystics like Abd al-Rahman Jami and Najm al- Din Najmuddin Razi have provided advice for improving the state of the society. The political aspirations of these two mystics can be examined from four perspectives: how the king was elected, the religiosity and policies of the king, how the oppressed of the society were organized, and criticism levelled at the government's policy for earning money. This descriptive study, by citing representative examples from *Haft Aurang* stories and quoting the teachings of Najm al- Din Najmuddin Razi, seeks to examine the political ideals of these two mystics, who lived in two different social conditions, so that the differences between the roles played by them and the reasons for their involvement in the political activities could be determined. The results of this study show that due to different social conditions in these two eras, there are fundamental differences in the political thoughts of these two mystics of the 7th and 9th centuries AH.

**Keywords:** Politics, Mysticism, Jami, Najm al- Din Najmuddin Razi.

---

1. DOI: 10.22051/JML.2021.36374.2209

2. PhD Candidate, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran. [ehsan.s.moharrami@gmail.com](mailto:ehsan.s.moharrami@gmail.com)

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran (Corresponding author). [hsoleimanian@yahoo.com](mailto:hsoleimanian@yahoo.com)

4. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran. [samennet2020@yahoo.com](mailto:samennet2020@yahoo.com)

5. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran. [m.firouzimoghaddam@yahoo.com](mailto:m.firouzimoghaddam@yahoo.com)

Print ISSN: 2008-9384 / Online ISSN: 2538-1997